



نمایش داده‌ایم. انجامة نسخه چنین خوانده می‌شود: «و فرغ من کتابته العبد الراجی رحمة ربه تعالى احمد بن محمد بن علی الراوندی فی ربيع الاول من سنة ست و ثمانین و خمس مائة حامداً لله تعالى علی نعمه و مصلیاً علی نبیه محمد و آله و اصحابه اجمعین غفر الله له و لوالدیه و لمن دعا له بالخیر و لجمعیع المؤمنین انه یسمع و یشع و یشیء» و در دو کتیبه راست و چپ این جدول نوشته شده: «و فرغ من تذهیبه اضعف عبادالله؛ المحتاج الی رحمةالله محمد بن علی بن سلیمان فی شهور سنة سبع و ثمانین و خمس مایه»



مصحفی به خامه صاحب راحة الصدور

علی صفری آق‌قلعه

چندی پیش در پی بررسی برخی آرایه‌ها و اصطلاحات نسخه‌شناسی در مصحف‌های قرآن کریم رجوعی داشتم به مقاله‌ای (با مشخصات: «قرآن‌های خطی سده‌های یازدهم-دوازدهم/ پنجم - ششم آستان قدس رضوی»، مریم فراست، دوفصلنامه هنر اسلامی، شماره مسلسل ششم، صص ۷-۲۴) که درباره هفت مصحف نفیس از گنجینه مصاحف کتابخانه آستان قدس حضرت رضا (ع) نگاشته شده است.

می‌بینیم که نام مذهب نسخه «محمد بن علی بن سلیمان الراوندی» است که دقیقاً برابر با نام صاحب راحة الصدور و آیه‌السرور است. اما درباره نام کاتب نسخه — یعنی «احمد بن محمد بن علی الراوندی» — نیز عین همین نام را راوندی برای یکی از دو خال (دایی) خود در راحة الصدور (ص ۳۹) ذکر کرده و او را تربیت‌کننده خود خوانده است: «... ملک ذوالجلال، به کمال افضال از خاصان بندگان خویش یکی را برگماشت و بزرگی را بداشت که شیر تربیت از پستان دولت او خوردم... و اگرچه به حکم "من علمک حرفاً صیرک عبداً" من بنده اوام، از روی نسبت او خال منست و از روی شفقت پدرست؛ مولانا ولی‌الانعام... ابوالفضل احمد بن محمد بن علی الراوندی دام ظلّه...»

راوندی در همانجا (ص ۴۰) ضمن برشمردن فضایل خال خود می‌نویسد: «... و او را درین معنی تصانیف و در فقه و خلاف و تفسیر و حدیث و لغت و شعر پارسی و

در میان این مصاحف، یک مصحف جامع بسیار نفیس (به شماره ۲۲۶۱) وجود دارد که نام کاتب و مذهب آن جلب توجه می‌نماید ولی نویسنده مقاله مذکور به هویت این دو نام هیچ اشاره‌ای نکرده است. نسخه در سال ۱۳۶۳ش توسط امام خمینی (ره)، وقف کتابخانه شده و لذا در فهرست گلچین معانی (راهنمای گنجینه قرآن، تألیف احمد گلچین معانی، مشهد، کتابخانه آستان قدس، [بی‌تا، تاریخ مقدمه: ۱۳۴۷ش]) معرفی نشده است. مترجم هم نیست و لذا در فهرست محمد آصف‌فکرت (فهرست نسخ خطی قرآن‌های مترجم کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی «۱»، مشهد، انتشارات کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۳ش) شناسانده نشده است؛ و از آنجا که مذهب نسخه از ادیبان و هنرمندان بنام روزگار خود بوده است، شناسایی آن ضروری می‌نمود.

برای اینکه رشته سخن بیش از این به درازا نکشد در «شکل مقابل» تصویر صفحه انجامة این مصحف را



گزارش میراث

تازی استاذست و در خط و لغت اظهر من الشمس است که مانندش نه کس دید و نه شنید...»

و در ادامه (همانجا، صص ۴۰-۴۱) اشاره دارد که «مدت ده سال در خدمت او بودم و عیون شهرهای عراق بی‌مومدم؛ در علم خط چنان شدم که نمودارش علمی [کذا] درین کتاب شمه‌ای روشن شود. هفتاد گونه خط را ضبط کردم و از نسخ مصحف و تذهیب و جلد که بغایت آموخته بودم کسبی می‌کردم...»

مواردی که ذکر شد، شامل قرائنی است در تأیید این نکته که مصحف شماره ۲۲۶۱ کتابخانه آستان قدس رضوی به خامه صاحب راحة‌الصدور و قلم خال وی می‌باشد. علاوه بر اینها راوندی در مواضع دیگری از کتابش باز هم به ذکر این گونه اطلاعات پرداخته است. از جمله در جای دیگر (همان، صص ۴۳-۴۴) به تبحر خال دیگرش در خط اشاره دارد و اینکه پادشاه سلجوقی طغرل بن ارسلان بن طغرل نزد وی به آموختن خط پرداخت و پس از فراغت از آموزش به نگارش یک مصحف تبرک کرد و «تکحیل» بخش‌هایی از آن را به راوندی محول نمود: «... و چون به تاریخ سنه سبع و سبعین و خمس‌مایه سلطان شهید را هوس خط افتاد، مولانا صدر امام کبیر... استاذ الملوک و السلاطین محمود بن محمد بن علی الراوندی را که خال دعاگوست تفقد فرمود و او را تشریف استاذی ارزانی داشت... و چون خط منسوب شد [کذا]، تبرک کرد به کلام رب‌العالمین... و این دعاگوی بدان سبب از آن حضرت تقریب و ترحیب یافت و تکحیل نوشته او بیشتر مرا فرمودی که به سبب معرفت خط، آنچ دعاگوی کردی بهتر نمودی...».

نکته‌ای که در اینجا لازم به ذکر می‌نماید اینکه اصطلاح «تکحیل» که راوندی در اینجا به کار برده، امروزه با نام «تحریر» (و گاهی «دورگیری») خوانده می‌شود. می‌دانیم که واژه «تکحیل» به معنی سرمه‌کشیدن است، اما معنی اصطلاحی آن همین دورگیری قطعات خط است که با معنای لغوی تناسب دارد و عبارت ذیل از ترجمه تاریخ یمینی (ص ۳۸۸ چاپ جعفر شعار) نیز — که در ضمن توصیف بنای مسجد غزنه آمده — آن را تأیید می‌کند: «... و پیرامن هر مربعی از مربعات آن خطی از زر درکشیدند و به لاژورد تکحیل کردند...» این معنی در لغتنامه دهخدا نیامده است و جالب

اینکه در آنجا ذیل مدخل «تکحیل کردن» همین عبارت ترجمه تاریخ یمینی نقل شده و در معنی آن آمده: «سرمه در چشم کردن. کحل در چشم کردن و مجازاً سرمه‌ای رنگ کردن چیزی را. لاجوردی رنگ کردن.» که باید تصحیح شود.

سال‌ها پیش که برای نخستین بار توصیفات راوندی را درباره هنرش می‌خواندم، خیلی دوست داشتم نمونه‌ای از آن را به دیدگان ببینم و اینک از راه دیدار همین چند صفحه درمی‌یابم که به هیچ روی گزافه‌گویی نکرده است و به راستی مصحفی زیبا و باشکوه پرداخته که نموداری درخشان از شیوه تذهیب ایرانی در سده ششم هجری است. خط نسخه نیز نمونه‌ای برجسته از نگارش قلم نسخ در آن روزگار است.

فی‌الجمله این مصحف شریف از غنایمی است که از آسیب‌های روزگار برکنار مانده و در کنار دانش نگارش قرآن کریم — که در مصحف‌های آن روزگاران دقیق‌تر از مصحف‌های چاپی امروزمین رعایت می‌شد — نشانه‌هایی از هنر یکی از ادیبان و هنرمندان بزرگ این سرزمین را به امروزیان منتقل کرده است. افسوس که جز چند صفحه‌ای از آن تاکنون منتشر نشده است.

معرفی نسخه خطی جامع اللغات

حمید جعفری

مقدمه

جامع اللغات از فرهنگ‌های عربی به فارسی است که در سده سیزدهم هجری در سه جلد تألیف شده است. مؤلف کتاب با توجه به آنچه در پایان جلد دوم آمده، محمدجعفر ندوشنی است که در یزد به سر می‌برده است. نام مؤلف کتاب در صفحه آغاز جلد دوم «ملا محمد جعفر لغوی» ذکر شده است.

اگرچه کتاب در مورد ویژگی‌های صرفی و لغوی زبان عربی است، به زبان فارسی با نثری ساده نوشته شده است. چنان‌که از نام کتاب هم دریافت می‌شود، کتاب جامع اللغات منبعی غنی برای محققان است که صورت‌های مختلف واژه‌های عربی اعم از مصدری و فعلی و حرفی را به همراه معانی آن‌ها ذکر می‌کند.

با توجه به این که بخش های مختلف کتاب به ترتیب حروف تهجی آمده و به ترتیب حرف آغازین و پایان هر واژه ذکر شده، یافتن واژه ها در آن آسان می نماید و از آنجا که از فرهنگ های مختلف جهت نوشتن این کتاب بهره برده شده، پژوهنده را از مراجعه به آثار دیگر بی نیاز می کند.

این فرهنگ جامع در فهرست نسخه های خطی کتابخانه وزیر (جلد پنجم) این گونه معرفی شده است:

جلد اول با شماره ۳۷۴۴ و شماره عمومی ۲۵۵۲۴. نستعلیق تحریری مؤلف (ظاهراً)، عنوان و نشانه ها به سنگرف، کاغذ فرنگی، ۷۰۸ برگ و ۱۸ سطر، ۱۱ × ۱۷ با جلد مقوایی، روکش کاغذ آبی، درون کاغذ سفید، عطف تیماج زرد ۱۵ × ۲۱.

جلد دوم با شماره ۳۷۴۵ و شماره عمومی ۲۵۵۲۵. مشخصات کلی این جلد نیز همان است که در مورد جلد اول ذکر شد، با این توضیح که تعداد برگ های این جلد ۴۸۳ برگ است.

جلد سوم با شماره ۳۷۴۶ و شماره عمومی ۲۵۵۲۶. این جلد نیز با همان مشخصات در ۵۵۲ برگ نوشته شده است. (شیروانی، محمد، فهرست نسخه های خطی کتابخانه وزیر یزد (پنج جلد)، تهران، چاپخانه تابان، ۱۳۵۰، صص ۱۷۷۹-۱۷۷۹).

نسخه خطی جامع اللغات، شماره صفحه ندارد، ولی بر اساس یادداشت های کتابخانه، جلد اول ۷۰۸ برگ، جلد دوم ۴۸۳ برگ و جلد سوم ۵۵۲ برگ دارد که روی هم ۱۷۴۳ برگ می شود.

جلد اول

کتاب با این عبارات آغاز می شود:

هذا الكتاب جامع اللغات

بسم الله الرحمن الرحيم رب يسر يا كريم و اتمم بالخیر يا عظیم. الحمد لله جعل لغة العرب اشرف اللغات و الصلوة و اسلام علی محمد «ص» و آله الهداه.

بنابر آنچه مؤلف در صفحه اول می نویسد این کتاب شامل یک مقدمه و سه مقصد و یک خاتمه است که مقدمه در بیان بعضی از قواعد و اصطلاحات صرفی است. مقصد اول در بیان معانی مصادر ابواب ثلاثی مجرد و مقصد دوم در بیان معانی مصادر ثلاثی مزید و

ابواب رباعی مجرد و رباعی مزید و مقصد سوم در بیان معانی اسماء غیر مصدری است و خاتمه نیز در بیان معانی حروف و اسماء افعال و معانی افعال غیر مشتق.

این مطالب تقریباً به عینه در ابتدای جلد دوم هم آمده است و در این بخش مؤلف به برتری زبان عربی نسبت به سایر زبان ها اشاره کرده و انگیزه خود را به جمع آوری لغات عربی، همین موضوع ذکر کرده است و چند صفحه بعد بر این موضوع تأکید ورزیده است.

همان گونه که مؤلف در آغاز کتاب اشاره دارد، در مقصد اول، معانی مصدرهای ابواب ثلاثی مجرد را آورده است. نکته حائز اهمیت، توضیحات جامعی است که در مورد هر یک از مصدرها در این کتاب دیده می شود. در این بخش به ترتیب حروف تهجی، مصدرهای باب های ثلاثی مجرد با توجه به لام الفعل آمده است.

مقصد اول با «باب الهمزة و فصل الباء» و واژه «بدء» آغاز می شود و با «باب الیاء فصل الهمزة» و واژه «یدی» به پایان می رسد. این مقصد بیش از هفتاد درصد از جلد اول کتاب را به خود اختصاص داده است. نکته جالب در این بخش رعایت ترتیب الفبایی واژه ها است که در هر فصل بر اساس حروف آغازی مصدرها عمل شده است. به عنوان مثال «باب الباء»، با «ابب» (به معنی آماده شدن از برای رفتن) شروع و با «هیب» (به معنی بزرگ داشتن و ترسیدن) تمام می شود.

مقصد ثانی: در این بخش مؤلف بر اساس مصادر مجرد، مصادر مزید آن را می نویسد؛ مثلاً «برء»: «المبارء» به معنی از یکدیگر شدن و از یکدیگر جدا شدن.

مؤلف پیش از پرداختن به معانی مصدرها و افعال اسما و حروف، ابتدا توضیحات مختصری در مورد هر یک می دهد و چنانکه خود در ابتدای جلد دوم اشاره دارد، قواعد و اصطلاحاتی را که دانستن آن بر شخص لغوی لازم است، بیان می کند.

جلد دوم

در صفحه آغازین جلد دوم کتاب آمده است: کتاب معانی الالفاظ تألیف جناب آقای ملا محمد جعفر لغوی.

جلد دوم با این عبارات آغاز می شود: بسم الله رب يسر يا كريم و تمم بالخیر يا عظیم الحمد لله رب العالمين و الصلوة علی نبیه محمد و اهل بیه اجمعین.



در مورد کتابت این نسخه قابل ذکر است که به نظر می‌رسد کاتب پس از نگاشتن بخشی از کتاب خسته شده و با شتاب جلد‌های دوم و سوم را به پایان رسانده است. در این جلد نیز کلمات با توجه به حروف تهجی و با رعایت فاء‌الفعل و لام‌الفعل مرتب شده‌اند. به عنوان مثال: باب‌المیم فصل‌الهمزة: اتم (اولین واژه این باب) ! یوم (آخرین واژه این باب)

باب‌الواو فصل‌الهمزة: ابو! هرو

باب‌الیاء فصل‌الهمزة: ابی (به معنی سر باز زدن)! یدی پس از آن مصادر رباعی مجرد و رباعی مزید آمده است. مثل «الثآله» به معنی سیراب گردانیدن یا «الذبذبه»: به معنی جنبیدن.

این جلد با مصادر رباعی مجرد و با واژه «العنونه» (کتاب را عنوان کردن) به پایان می‌رسد در آخر نیز آمده است: قد تم علی ید مؤلفه الراجی الی رحمة الله الملك‌الاکبر ابن محمدحسین، محمدجعفر النوشنی الاصل، الیزدی المسکن. اللهم اغفر له و لوالدیه و لجميع المؤمنین و المؤمنات آمین آمین آمین یا رب‌العالمین.

جلد سوم

جلد سوم بدون مقدمه آغاز می‌شود و به مقصد ثالث اختصاص دارد. در ابتدای این جلد آمده است: بسم‌الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب‌العالمین و الصلوة و السلام علی محمد و آله الطاهرین. مقصد ثالث در بیان معانی اسماء متمکنه غیرمصدریه از ثلاثی و رباعی و خماسی مجرد، آکان مزیداً فیه جامداً کان او مشتقاً.

همان‌گونه که مؤلف می‌نویسد، در این بخش، ابتدا ریشه واژه و معنی آن ذکر می‌شود و سپس کلماتی که از این واژه مشتق شده‌اند، بیان می‌شود. در واقع این جلد شامل بخش‌های زیر است:

۱. ذکر اسامی غیرمصدری اعم از ثلاثی، رباعی و خماسی مجرد و مزید که بیشترین صفحات این جلد (تقریباً سه چهارم کتاب) را به خود اختصاص داده است.
۲. خاتمه: در بیان معانی حروف و اسماء افعال و افعال غیرمشتق.

خاتمه کتاب که حدود یک‌چهارم کتاب را دربر می‌گیرد، به موضوع معانی حروف و آنچه متضمن معنی حروف و اسماء افعال و معانی افعال غیرمشتق است، اختصاص دارد. توضیحات این بخش در مورد حروف و اسماء افعال نیز در خور توجه است و مؤلف معنی مختلف آنها را در کنار هر واژه ذکر کرده است. به عنوان نمونه در مورد «اذا» می‌نویسد: به کسر همزه «چون» و به این معنی از ادات شرط است و «وقتی» و به این معنی «ظرف» است و ناگاه و به این معنی «مفاجاه» است و «پس» و به این معنی به منزله «فاء جزاء» است.

هم‌چنین در مورد ضمیر متکلم «انا» آورده است: به فتح همزه و نون و به الف مکتوبه غیرملفوظه در آخر، ضمیر متکلم وحده است به معنی «من» و اصل آن «ان» به فتح همزه و سکون نون است. نون را فتح داده‌اند للفرق بینا و بین ان الناصبه و الف در آخرش زیاد کرده‌اند از برای بیان حرکت. یا حرف «کلا» که در مورد آن آمده است: به فتح کاف و تشدید لام، حرف «ردع» است به معنی «باز ایست از این کار» و به معنی «حقاً» نیز آمده است.

منابی که بنابر اشاره مؤلف در تألیف کتاب مورد استفاده قرار گرفته است، عبارت‌اند از: صحاح، قاموس، طراز، مصباح‌المنیر، مجمع‌البحرین، تاج‌المصادر، منتخب، کنز و مهذب‌الاسماء.

نکته قابل توجه امانت‌داری مؤلف است؛ بدین‌گونه که هرجا از فرهنگ‌های پیشین بهره برده، آن را یاد نموده است. به عنوان نمونه زیر واژه «بساء» آورده است! «... فی "ص" ناچه بسوء لا تمنع الحالب» که «ص» مخفف فرهنگ صحاح است و این موضوع را مؤلف در ابتدای جلد اول ذکر کرده است.

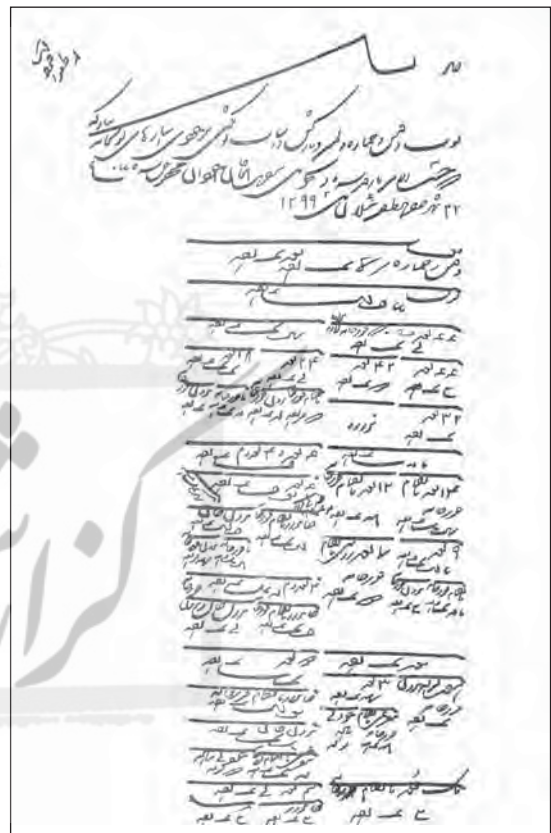
در پایان جلد سوم آمده است: خاتمه الکتاب و الله الموفق للصواب و قد تم علی ید مؤلفه فی عصر یوم الخمیس اشهر جمادی الاولی من شهر سنه ۱۲۵۸ اللهم اغفر له و لطلبه.

نکته پایانی این که از کتاب جامع‌اللغات میکروفیلم هم تهیه شده که در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.

فردهای آستانه شیخ صفی اردبیلی

عمادالدین شیخ الحکمایی

تاکنون درباره آثار ارزشمند متعلق به بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی مطالب بسیاری منتشر شده است، از فهرست نسخه‌ها و قرآن‌ها گرفته تا آثار موزه‌ای و اسناد منحصر به فرد آن، اما تا آنجا که می‌دانم اشاره‌ای به سیاهه‌های دخل و خرج یا به اصطلاح فردهای آستانه نشده است. نظر به اهمیت این آثار، و به امید آن که بتواند توجه پژوهشگران را به خود جلب کند، این یادداشت تقدیم می‌گردد.



در سال ۱۳۵۱ش دو صندوق حاوی اوراق و اسناد از آستانه شیخ صفی به موزه ملی منتقل شد. یک صندوق حدود ۶۵۰ طومار و سند کهن دیوانی و قضایی را در بر می‌گرفت که فهرست آنها توسط نگارنده تهیه شده و به زودی منتشر می‌گردد. اما صندوق دوم حاوی چندهزار برگ سیاهه‌های دخل و خرج بقعه شیخ صفی بود و هر دسته از این اوراق مجزا در میان دو جلد (بین‌الدفتین و

بدون صحافی) قرار گرفته و با نخ بسته شده بود. اندازه این اوراق به صورت یکسان حدود $۱۳ \times ۲۱/۵$ سانتی‌متر و متعلق به فاصله سالهای ۱۰۰۴ تا ۱۱۹۵ هجری قمری و حدود ۱۹۰ سال را در بر می‌گیرد. این سیاهه‌ها که عمدتاً به سیاق نوشته شده است، ظاهراً به صورت منظم و سال به سال فراهم می‌شده است. اما اکنون از فاصله زمانی یادشده، اوراق مربوط به سالهای زیر، در این مجموعه وجود ندارد^۱:

۱۰۰۵، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۲ تا ۱۰۱۵، ۱۰۴۰، ۱۰۴۳، ۱۰۶۶، ۱۰۶۸، ۱۰۷۰، ۱۰۷۲، ۱۰۹۸، ۱۱۰۰، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۳۱، ۱۱۳۹ تا ۱۱۴۵، ۱۱۴۶ تا ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۴ تا ۱۱۷۷، ۱۱۷۹ تا ۱۱۹۲، ۱۱۹۳ و ۱۱۹۴.

اگرچه احتمال می‌رود که برخی از بسته‌های مربوط به سالهای یادشده گم شده باشد، اما در برخی موارد نیز می‌توان رابطه مستقیمی بین نواقص این مجموعه با تحولات سیاسی اجتماعی یافت، برای نمونه می‌توان به نقص فاصله سالهای ۱۱۴۵ یعنی سال سقوط صفویان تا سال مرگ نادر، ۱۱۷۰ق اشاره کرد.

این مجموعه منبع بسیار ارزشمندی برای مطالعات تاریخ تحولات بقعه و تاریخ اقتصادی و اجتماعی این دوره به شمار می‌آید. موضوعات یادشده در این اسناد را می‌توان در موارد ذیل دسته‌بندی کرد.

درآمد و مصارف موقوفات آستانه (حمام‌ها، عمارت‌ها، مزارع و مواضع و تعمیرات)

خریداری ملک و روستا و آسیا و مزرعه توسط متولیان و وکلای آستانه از حاصل درآمد موقوفات آستانه،

اجاره‌نامه‌ها، نذورات، حق التولیه‌ها، مقرریهای مشایخ، خادمان، حافظان، تحویلداران، صوفیان، حق التدریس، مدرس، کتابدار و صحاف، حقوق معالجه بیماران، مخارج اطعام و دیگر مایحتاج بقعه، فراش‌خانه، و سیورغالها.

نیز ذکر هزینه‌های مربوط به حق التحریر، مرکب، و هزینه‌های کاغذ و دفتر در این سیاهه‌ها، این مجموعه را به منبعی ارزشمند برای مطالعات نسخه‌شناسی بدل کرده است.

۱. با سپاس از همکار گرامی خانم فاطمه حاتمی برای استخراج نقص سالها و موضوعات.

